**هشدار به کاتولیسیسم**

پدید آورنده : نیکو پرهیزگاری

|  |
| --- |
| **قرن بیست و یک، قرن دگرگونی کلیسا است**  شاید خیلی ها تصور کنند که بزرگ دترین چالش کلیسا در قرن بیست و یکم، اسلام و اسلام گرایی رو به رشد در جهان غرب و به خصوص اروپا باشد، جایی که قرن های طولانی پایگاه اصلی مسیحیت بوده است. رویدادهای این سالیان اخیر نیز به این گمان دامن می زند: تعارض گروه های مسلمان در اروپا و آمریکا با برخی گروه های بنیادگرای مسیحی، تصویب و اعمال قوانین محدودکننده علیه به کارگیری نمادها و فعالیت های اسلامی در کشورهای اروپایی، و در نهایت عدم جذب مسلمانان مهاجر در جوامع اروپایی که به آن پناه برده اند، مانند فرانسه.  رویدادهایی دیگر نیز به این چالش ها دامن می زند، نظیر حادثه یازده سپتامبر، اقدامات تروریستی گروه القاعده که قرائت خشونت آمیز و متحجرانه ای از اسلام را ترویج می کنند، جنگ آمریکا و متحدان غربی اش با طالبان و صدام و اشغال سرزمین های اسلامی افغانستان و عراق، و همین طور افراطگرایی گروهی از بنیادگرایان مسیحی که از توهین به ساحت قرآن کریم و مقدسات مسلمانان دم می زنند.  اما کلیسا چگونه می تواند این بحران تعارض را از سر بگذراند؟ و آیا این تنها چالشی است که کلیسا در این سال ها با آن مواجه بوده است. جان ال. آلن. جی آر، مخبر واتیکان در هفته نامه National Catholic Reporter پاسخ منفی به این سوال می دهد. او که از آینده کلیسا و به خصوص کلیسای کاتولیک در هراس است، به جز مسئله مسلمانان، چندین مسئله بنیانی دیگر را نیز نام می برد که کلیسای کاتولیک ناگزیر از مواجهه واقع گرایانه با آنها است، مسائلی که به تحول و دگرگونی در این کلیسا منجر خواهد شد.  این مسائل کدامند؟  **ده گرایشی که کلیسای کاتولیک را متحول خواهد کرد**  جان ال. آلن در کتابی با عنوان "کلیسای آینده\*" از ده گرایشی صحبت می کند که به اعتقاد او در گذر از این قرن به قرن بیست و دوم، منشا تغییرات در کلیسای کاتولیک خواهد شد؛ از نفوذ کاتولیک ها بر سیاست های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گرفته تا تاثیر سازمان های چندملیتی بر معیارهای اخلاقی و بومی و همین طور اسلام گرایی در جهان غرب.  آلن تاثیرات جهانی شدن بر کلیسای کاتولیک رم را شرح می دهد و از ضرورت بازنگری در مسائل بنیادین، سیاست ها و عملکرد کلیسا سخن می گوید. او همچنین معتقد است که در طول قرن آینده کلیسا ناگزیر از مواجهه منطقی با تغییراتی می شود که نهاد کلیسا و جهان را به مثابه یک کلیت در بر خواهد گرفت و می باید پاسخی درخور به آن بدهد، خواه این تغییرات مربوط به مسائل جنجالی همچون پیشرفت های بیوتکنولوژیک و افزایش لقاح های مصنوعی و.. باشد یا گسترش نقش لائیسیسم.  "کلیسای آینده" یک چارچوب جدید بنا می کند برای مواجهه با چالش های ناشی از تغییرات جهانی، همان طور که توماس فریدمن در کتاب "جهان مسطح است" چنین می کند. اتفاقا کتاب فریدمن منشا مقایسه ای نیز برای آلن فراهم کرده است. او در مقدمه کتاب "کلیسای آینده" می نویسد:  "توماس فریدمن با کتاب فوق العاده محبوب خود که درباره جهانی سازی است، پیام مهمی را در سه کلمه مخابره می کند: "جهان مسطح است". جهانی سازی موانع را کنار می زند، یکی پس از دیگری، و دنیایی خلق می کند که در آن افراد تیزبین و تیزهوش در کشورهایی چون هندوستان، چین یا برزیل می توانند بر سر به دست آوردن مشاغل رقابت کنند، آن هم نه مشاغل سطح پایین و کم درآمدی که آمریکایی ها آن را پس می زنند، بلکه مشاغل پردرآمدی که نیازمند سطح بالایی از تسلط بر تکنولوژی است، یعنی درست همان چیزی که آمریکایی ها خواستارش هستند. از این رو کتاب فریدمن هشداری را در خود نهفته دارد: آمریکایی ها می باید در این قرن به خود بیایند و شتاب کنند که در غیر این صورت خود را مقهور پدیده جهانی سازی خواهند دید.  "کتاب "کلیسای آینده" هم درباره جهانی سازی است، از آنجا که به قدیمی ترین نهاد جهانی روی زمین، یعنی کلیسای کاتولیک رم می پردازد. جان کلام کتاب را در چند واژه می توان بیان کرد: کلیسا دچار تحولی اساسی شده است. البته این تحول به معنای درهم ریختگی ساختارها و از دست دادن کارکردهایش نیست. می خواهم بگویم، مبانی، بنیان های نظری و افعالی که از چهل و چند سال قبل، یعنی دوران شورای دوم واتیکان1، مظهر کاتولیسیسم بوده و سرآغازی برای زیست کاتولیک امروزی محسوب می شده است، از اساس دارد تغییر می کند، آن هم توسط افرادی که به تازگی در رأس کلیساهای جهان قرار گرفته اند. این کتاب نیز هشدار می دهد که کاتولیک ها در قرن بیست و یک نه تنها می باید به خود بیایند، بلکه بیش از آن به ابتکار نیاز دارند. آنها باید تجدیدنظری در تفکرات خود درباره کلیسا داشته باشند و همچنین درباره ایمان خود و آنچه این ایمان برایشان به ارمغان می آورد دوباره بیندیشند، چرا که در غیر این صورت، کاتولیسیسم نمی تواند در مواجهه با چالش های جدید راهی به جلو باز کند. آنها باید جاده صاف کن کاتولیسیسم باشند."    اما ده مسیری که کلیسای کاتولیک در گذر از آن و در طول قرن بیست و یک دچار تحول اساسی می شود، به شرح زیر است:  1- مظهر کلیسا در سراسر قرن بیست سرزمین های شمال بود، یعنی کشورهای اروپا و آمریکای شمالی، اما امروز دو سوم اعضای کلیسا در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین زندگی می کنند. پس رهبر کاتولیک ها در قرن 21 اهل هر کجای جهان می تواند باشد که این امر تاکنون سابقه نداشته است.  2- کلیسایی که پس از شورای واتیکان دوم به تعامل با جهان مدرن می پرداخت، امروز به طور رسمی در مسیر عکس حرکت می کند و بر طبل جدایی کاتولیسیسم از مدرنیته می کوبد. این سیاست تاحدی واکنشی است در برابر سکولاریزاسیون لجام گسیخته.  3- کلیسایی که در چهل سال گذشته با یهودیت در گفت وگو بوده است، اکنون خود را در تقابل با یک اسلام مدعی می بیند، اسلامی که نه فقط به خاورمیانه، آفریقا و آسیا محدود نمی شود، بلکه در اروپا نیز ریشه دوانده است.  4- کلیسایی که در طول تاریخ، بیشتر انرژی خود را روی نیازهای مذهبی جوانان سرمایه گذاری کرده بود، حالا مجبور است پاسخگوی نیازهای مذهبی مردمی باشد که هیچ جامعه ای در کل تاریخ بشری به سرعت آنها پیر نمی شده است.  5- کلیسایی که همیشه برای تبلیغات و رهبری مذهبی اش روی روحانیون خود تکیه داشته است، حالا باید از غیر روحانیون برای هر دوی این فعالیت ها استفاده کند.  6- کلیسایی که همیشه مباحثی را در حوزه زیست اخلاقی مطرح می کرد که از مباحث مربوط به هزاره تا موضوع سقط جنین، کنترل زاد و ولد و بسیاری مباحث دیگر را در بر می گرفت، حالا خودش را در دنیای جسور لقاح های مصنوعی و دستاوردهای مهندسی ژنتیک تنها می بیند. کلیسا هم اکنون نومیدانه سعی دارد آموزه های اخلاقی خود را گام به گام پیشرفت های علمی بشر پیش ببرد.  7- کلیسایی که آموزه های اجتماعی اش را در نخستین مراحل انقلاب صنعتی آغاز کرده بود، حالا با دنیای "جهانی سازی شده" قرن بیست و یکم رو به روست؛ دنیایی که مملو از نهادهای عجیب و غریبی نظیر شرکت های چندملیتی و سازمان های بین المللی است که آن زمان که کلیسا دیدگاه هایی را فقط با توجه به اجتماع مطرح کرده بود، اصلاً وجود نداشتند.  8- کلیسایی که دغدغه های اجتماعی اش تقریباً فقط به انسان ها خلاصه شده است، هم اکنون خود را با دنیایی مواجه می بیند که برای حل مسائل زیست محیطی نیازمند نگرش های تازه ای در حوزه الهیات و اخلاقیات است.  9- کلیسایی که سیاست های خود را همیشه با تکیه بر قدرت بزرگ کاتولیک در هر زمان پیش برده بود، حالا خود را در جهانی چندقطبی می بیند که در آن اغلب قطب های مهم کاتولیک نیستند و برخی از آنها حتی مسیحی نیز نیستند.  10- کلیسایی که عادت داشت به دیگر مسیحیان به عنوان ارتدوکس ها، آنگلیکن ها و پروتستان ها نگاه کند، حالا شاهد رژه پنتیکاستال ها2 در سراسر سیاره زمین است. آمار آنها در کمتر از ربع قرن از پنج درصد به بیست درصد کل مسیحیان جهان افزایش یافته و تعداد کاتولیک های جهان را به شکل قابل توجهی کاهش داده است. حتی خود کلیسای کاتولیک هم به خاطر کاریزمای این فرقه دارد پنتیکاستال می شود.  کتاب "کلیسای آینده" از زمان انتشار خود تا به امروز، میان الهی دان ها، محافل آکادمیک، نظریه پردازان کاتولیسیسم و حتی کشیش ها مخاطبان و منتقدان بسیاری پیدا کرده است که از آن جمله می توان به کشیش جان مک کلاسکی اشاره کرد که درباره این کتاب در وبسایت Catholicity می نویسد:  "هیچ فردی که ذره ای هم به موضوعات مرتبط با کلیسای کاتولیک یا خود مذهب کاتولیک در بُعد جهانی اش علاقه مند باشد، نمی تواند از خواندن کتاب جان آلن چشم پوشی کند. باید اضافه کنم که "کلیسای آینده"، کتاب نسبتاً قطوری است که نمی توان آن را به یک باره خواند و در عین حال، در پایان کتاب با بخشی عالی مواجه می شویم که منابع مطالعاتی دیگری را نیز درباره ده گرایشی که آلن آنها را بررسی کرده است، معرفی می کند."  مک کلاسکی می افزاید: "آنچه این کتاب را بیشتر جالب توجه می کند، ارتباط بی نهایت زیاد کلیسای کاتولیک با رویدادهای جهان سکولار در زمانه ماست. مسلماً عوامل متعددی در فروپاشی کمونیسم در اروپا که فقط دو دهه پیش اتفاق افتاد، نقش داشته اند. با این حال، بسیاری از کارشناسان در این رابطه از انتخاب ژان پل دوم و نخستین باری که او به عنوان پاپ به زادگاهش لهستان سفر می کند و همچنین به راه افتادن جنبش همبستگی لهستان به عنوان نخستین عوامل این فروپاشی یاد می کنند. ژان پل دوم در طول دوران مهمی که در جایگاه پاپ قرار گرفت، فقط تأثیری مذهبی بر جهان نگذاشت، بلکه تأثیرش به خاطر اتهاماتی که به رژیم های فاسد، دیکتاتور و مستبد وارد می کرد، بیشتر سیاسی بود. در عین حال، اوج گرفتن تدریجی جهادهای اسلامی در طول دهه 1970 که به تسخیر سفارت آمریکا در تهران منجر شد، عامل مهمی برای انتخاب رونالد ریگان محسوب می شد که او هم در عوض به مسببان فروپاشی نهایی کمونیسم کمک زیادی کرد."  این کشیش با اشاره به آنچه آلن در کتاب خود آورده است، دو دین مسلط دنیا را در حال حاضر، کاتولیسیسم و اسلام می داند که هر دو رشد شگفت انگیزی هم دارند.  مک کلاسکی مقاله خود را این گونه به پایان می برد: "به هر حال، به نظر می رسد که دیدگاه های شخصی آلن ما را به خوبی به پذیرش صحیح آموزه های کلیسا رهنمون می شود. او به خوبی توانسته در کتابش بی طرف باقی بماند؛ کتابی که نه تنها عکسی فوری از کلیسای کاتولیک امروزی ارائه می دهد، بلکه سعی دارد جایگاه این کلیسا را در پایان قرن بیست و یکم نیز - که هنوز در ابتدای آن قرار داریم - پیش بینی کند. خودش می گوید: من روزنامه نگارم، کشیش، الهی دان یا استاد دانشگاه نیستم. وظیفه من توصیف اتفاقی است که دارد برای کاتولیسیسم می افتد و صد البته باید زمینه های آن را نیز تشریح کنم. بنابراین کتاب مرا مشقی برای این توصیف محسوب کنید نه یک دستورالعمل. نوشتن دستورالعمل برای این موضوع را می سپارم به افرادی که ذهن آموخته تری نسبت به من دارند."  اما دایانا کالبرتسون، نویسنده مقالات و کتاب های مذهبی، در وبسایت FutureChurch عملکرد پیشگویانه آلن در کتابش را کاملاً علمی و بر پایه تغییرات آماری، جنبش های مذهبی، توسعه تکنولوژی و درک صریح تاریخ معاصر کاتولیسیسم توصیف می کند. او می نویسد: "نخستین انگیزه ای که آدم را وادار به خواندن این کتاب می کند، امید به این است که نویسنده همان چیزی را به ما بگوید که دلمان می خواهد بشنویم. خب، باید در برابر این وسوسه مقاومت کنیم. جان آلن یک روزنامه نگار است و من می توانم ثابت کنم که جامعه شناسی هم بلد است و به همین دلیل، پیشگویی اش کاملاً بر پایه آمار علمی است. او در عین حال، به شیوه های گوناگون امیدهای ما را نقش بر آب می کند، چرا که این بحث را به میان می کشد که رُم، با وجودی که همه چیزهایی که آن را احاطه کرده اند در حال تغییرند، نمی خواهد چندان تغییر کند. مسلماً رم دیپلماسی اش را تعدیل خواهد کرد اما تغییری در بنیادهای خودشناسی اش به وجود نخواهد آورد. این در عمل به چه معناست؟ این یعنی که رم در آینده نزدیک مجبور خواهد بود که مثلاً با جماعت کاتولیکی سر و کار داشته باشد که دیگر چندان اروپایی و آمریکایی به شمار نمی آیند. با تداخلات فرهنگی که نتیجه اجتناب ناپذیر افزایش جمعیت در کشورهای جهان سوم و آمریکای لاتین است، با اصرار بر یکسان شدن آیین های مذهبی و حتی زبان مقابله خواهد شد. کاهش چشمگیر باروری در کشورهای کاتولیک سنتی، اذهان عمومی را متوجه سالخوردگان خواهد کرد و این مسئله نیاز به مراقبت های پزشکی را شدت خواهد بخشید. کمبود کشیش به مسئله ای حاد تبدیل می شود و به این ترتیب، نقش افراد غیرروحانی در این میان پررنگ تر خواهد شد. در نتیجه، فرهنگ داخلی واتیکان به تدریج تغییر خواهد کرد، اما این تغییر، چندان چشمگیر نخواهد بود."  کالبرتسون مقاله خود را این چنین ادامه می دهد: "اما آلن در عین حال معتقد است که دیگر عواملی که بیشتر به فرآیند جهانی سازی مربوط می شود، به طرز قابل توجهی بر کلیسا اثر خواهد گذاشت. مهاجرت مسلمانان به اروپا، نیاز به تبادلات آکادمیک و مطالعه عمیق تر اندیشه اسلامی را شدت خواهد بخشید."  کالبرتسون در خاتمه می نویسد که معتقد است آلن ادعای پیشگویی ندارد و کتابش هم در این راستا نوشته نشده است: "او با این کتاب می خواهد به ما بگوید که چه چیزی پیش رو داریم، کلیسا کجا ایستاده است و شاید این را هم بخواهد بگوید که تلاش های ما در چه راستایی باید باشد."  **درباره جان الن**  جان ال. آلن. جی آر، مخبر واتیکان در هفته نامه National Catholic Reporter و تحلیل گر واتیکان در شبکه CNBN و رادیو نشنال پابلیک است.  او نویسنده کتاب هایی چون "انجمن سری"، "همه مردان پاپ" و "اپوس دئی"3 است. همچنین ستونی هفتگی به نام "کلامی از رم" در یک نشریه اینترنتی دارد. جان ال. آلن در نیویورک و رم زندگی می کند.  ..................................................................................................................................................  \* "کلیسای آینده: ده گرایشی که کلیسای کاتولیک را متحول خواهد کرد"، نویسنده: جان ال. آلن. جی آر، ناشر:Doubleday Religion، چاپ: 10 نوامبر 2009، 480 صفحه، زبان انگلیسی، قیمت: 28 دلار.  پی نوشت:  1- شورای دوم واتیکان بین سال های (1962 1965 میلادی) تشکیل شد. این مجمع را پاپ یوحنای بیست و سوم افتتاح کرد و در زمان ریاست پاپ پولس ششم پایان یافت. هدف از تشکیل این مجمع که علمایی از کلیساهای ارتدوکس و پروتستان به صورت ناظر در آن حضور داشتند، نوسازی کلیسای کاتولیک به مقتضای نیازهای عصر جدید، به ویژه با توجه به نفوذ و گسترش مادی گرایی و مارکسیسم بود.  2- Pentecostal؛ وابسته به گروهی از کلیساها که به نیروی روح پاک در انجام معجزات چون شفا دادن، اعتقاد دارند.  3- فرقه ای در مسیحیت که در سالیان اخیر گسترش یافته است.  **منابع:**  وبسایت آمازون  وبسایت انتشاراتDoubleday Religion  وبسایتCatholicity  وبسایتFutureChurch |